

از مستوری تا حضور اجتماعی: موانع و پیامدهای مشارکت اجتماعی زنان از دیدگاه نشریه ملانصرالدین

عباس قدیمی قیداری*

زهره کاظمی**

چکیده

مواجهه مسلمانان با دنیای مدرن، آنان را به بازنگری در حوزه‌های مختلف، از جمله حجاب زنان و حضور اجتماعی آنان واداشت. در این بین، توجه مقاله حاضر معطوف به تبیین رویکرد نشریه تجدیدطلب ملانصرالدین، به مسئله حجاب و مشارکت اجتماعی زنان می‌باشد. سوال ما در این تحقیق این است که؛ مصادیق حجاب از نظر ملانصرالدین چه بود و چگونه بین معانی سنتی حجاب و دلالت‌های مدرن از آن و مسئله حضور اجتماعی زنان پیوند برقرار کرد؟ روش پژوهش، توصیفی و تحلیلی محتوای مقالات ملانصرالدین در پنج سال نخست آن است. نتایج نشان می‌دهد، ملانصرالدین با تأسی به تجدیدگرایی بحث حجاب را به چالش کشید و به حمایت از حضور اجتماعی زنان پرداخت. و با رد صریح هرگونه ارتباط بین حجاب و عفاف آن را برداشتی سنتی دانست و بر انتخابی بودن حجاب و عدم مغایرت آن با آموزه‌های سنتی تأکید نمود.

کلیدواژه‌ها: حجاب، حضور اجتماعی، زنان، عرصه خصوصی، نشریه ملانصرالدین.

۱. مقدمه

به دنبال رویارویی جوامع مسلمان با مظاهر دنیای مدرن، روشنفکران جهان اسلام در اندیشه اصلاحات بنیادی جهت خروج از عقب‌ماندگی برآمدند. این مواجهه مسلمانان را به بازنگری در حوزه‌های مختلف از جمله زنان واداشت تا از این طریق بتوانند در راه تجدید

* دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه تبریز، ghadimi@tabrizu.ac.ir

** دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)، kazemi.zahrat@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۲/۲۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۲۵

گام نهند. فرایند این بازاندیشی خروج زن از مفهوم سنتی و ایجاد وضعیتی بود که در آن زن عرصه جدال جریان فکری سنت‌گرایی و تجددگرایی شد و تصویر تازه‌ای از زن در جهتی کاملاً متفاوت از دوره قبل شکل گرفت. در این بین حجاب و پوشش زنان و چگونگی آن به مسئله بنیادینی تبدیل و جدال‌های به وجود آورد که تا به امروز همچنان به قوت خود باقی است. جریان سنتی دل‌نگران تغییر در وضعیت حجاب به عنوان مهم‌ترین نماد سنت، و حضور اجتماعی زنان بود. از سوی دیگر حجاب زنان و نوع پوشش و مستوری آنان در نگاه فرنگیان حیرت‌انگیز می‌نمود. همانطوری که حضور زنان بی‌حجاب اروپایی در حریم همگان برای مسلمانان شگفت‌انگیز بود (توکلی طرقتی، ۱۳۸۲: ۱۲۹). در این بین جریان مدرنی که نشریه ملانصرالدین منادی آن بود بر لزوم تغییر پوشش زنان و بیرون کشیدن آنان از منازل و حضور اجتماعی شان تأکید داشت. این جریان حجاب سنتی زن مسلمان را با توجه به الزامات عصر جدید و تغییرات رو به گسترش در وضعیت فردی و اجتماعی زنان در زمانه جدید، مناسب نمی‌دانست و بر تغییر و تعدیل آن تأکید داشت. تلاش نوگرایان بر این بود که زنان را به عنوان نیمی از پیکره جامعه از محیط‌های اندرونی به عرصه اجتماع وارد سازند. اما این امر چگونه با مستوری زنان امکان‌پذیر بود؟ نشریه تجددطلب ملانصرالدین، مقالات متعددی را به مسئله حجاب و پوشش زنان اختصاص داد. ملانصرالدین با نویسندگانی چون صابر، محمد سعید اردوبادی، علیقلی نجف‌آوف و کاریکاتوریست‌های چون عظیم‌عظیم زاده و شمرلینگ به عنوان یکی از تأثیرگذارترین نشریات عصر مشروطه در طول سال‌های ۱۹۰۶ تا ۱۹۳۱ میلادی با چندین وقفه به مدیریت محمدجلیل قلی‌زاده در تفلیس، تبریز و باکو به زبان ترکی انتشار یافت. ملانصرالدین با رویه اجتماعی انتقادی خود احکام و مسائل مربوط به زنان را به عنوان بخشی از سنت مورد نقادی قرار داد و توانست از همان نسخه‌های آغازین خود در مناطق مختلف به ویژه ایران با اقبال وسیعی مواجه شود. این نشریه در ادامه بر شیوه روزنامه‌نگاری دوره مشروطیت تأثیر گذاشت و از لحاظ اسلوب و محتوا الگوی روزنامه‌های چون صوراسرافیل در مجموعه "چرند و پرند"، آذربایجان، نسیم شمال و چندین روزنامه دیگر شد. این نوشته در صدد آن است با روش توصیفی تحلیلی به بررسی رویکرد ملانصرالدین به پوشش زنان پرداخته و به این سوال پاسخ دهد؛ مصادیق حجاب از نظر ملانصرالدین چه بود و چگونه بین معانی سنتی حجاب و دلالت‌های مدرن از آن و مسئله حضور اجتماعی زنان پیوند برقرار کرد؟ با عنایت به نقش مهمی که این نشریه در طرح و حمایت از حقوق

زنان داشت، بررسی این مسئله اهمیت زیادی در شناخت و تبیین اندیشه دگراندیشان مسلمان اوایل قرن بیستم درباره زنان مسلمان و مواجهه آنان با مدرنیته دارد.

پژوهش در باره هفته‌نامه تاثیرگذار ملانصرالدین و اهمیت آن در حوزه زنان قابل بررسی است. پژوهش حاضر نیز از منظر ادبیات موضوعی زیر مجموعه این حوزه می باشد. با این وجود موضوع حجاب در اندیشه ملانصرالدین، تا کنون موضوع پژوهشی مستقل در این زمینه نبوده است. با این حال تحقیقاتی چند درباره ملانصرالدین صورت گرفته است، به طور مثال، فرهاد دشتکی در مقاله «ملانصرالدین و مسئله زنان» به طور ضمنی در بحث از زنان، مقوله ای را به حجاب اختصاص داده است. همچنین در کتاب «سرگذشت سایه‌ها» به ترجمه مقالات ملانصرالدین در خصوص زنان و کودکان پرداخته است. علاوه بر آن در کتاب «ملانصرالدین و ایران» گزیده‌ای از مقالات ملانصرالدین درباره ایران را ترجمه کرده است. در خصوص زنان، مقاله‌ای از کاظمی درباره رویکرد تاریخی ملانصرالدین به مسئله زنان و مقوله آموزش به چاپ رسیده است. اما، آنچه این پژوهش به طور خاص دغدغه آن را دارد، بررسی رویکرد ملانصرالدین، به مسئله حجاب و لزوم مشارکت اجتماعی زنان مسلمان در روند نوگرایی جوامع شرقی است.

۲. زنان مستور: مقایسه زن مسلمان با زن فرنگی

مستوری زنان در شرق یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه ملانصرالدین بود. این نشریه به صراحت به انتقاد از محبوس بودن زنان در خانه‌ها و حجاب مرسوم جوامع اسلامی (چادر و روبنده) پرداخت. از سوی دیگر، در این دوره از نظر طیفی از روشنفکران پیش شرط ترقی جامعه، حضور اجتماعی زنان و کنار گذاشتن حجاب سنتی بود، در این جهت الگوی زن غربی ارائه شد. واقعیت این بود که در جوامع سنتی جدایی کامل زنان از محیط اجتماع و تقسیم بندی جامعه بر مبنای طبقه بندی جنسیتی: تعلق زن به محیط اندرونی و تعلق مرد به محیط بیرونی، نه تنها در اجتماع، در فرهنگ و ادبیات نیز حاکم بود (عاملی رضایی، ۱۳۸۹: ۱۶). هرگونه حضور زنان در عرصه عمومی به سختی و آن هم در شرایط خاص و با حضور یکی از محارم و استفاده از پوشش (چادر و روبنده)، امکان‌پذیر بود. در این حالت زن به شکل کامل مستور بود، و دست و صورت آن نیز دیده نمی‌شد (ملانصرالدین، ۱۳۲۵، ش ۵: ۸). این مسئله نشان از این اعتقاد بود که عرصه عمومی جایگاه مردان است. هر زنی بخواهد به میدان قدرت مردانه گام بگذارد باید مستوره بماند و

یادآور این حقیقت است که تحرک زنان و ورود آنان به عرصه عمومی ناپسند و حتی شیطانی است (میلانی، ۱۳۷۹: ۲۱۵). این در حالی بود که منطق سیاسی گفتمان نوگرایی حضور زن را در کنار مرد می‌طلبید (نجم آبادی، ۱۳۸۴: ۹۱). از این رو مستوری زنان و عدم حضور اجتماعی آنان نمی‌توانست مورد پذیرش جریان نوگرایی باشد که به دنبال رفع پرده‌پوشی زنان بود. در این راستا ملانصرالدین، از حقوق زنان اروپایی و وضعیت آنان نوشت و به مقایسه زنان فرنگی با زنان مسلمان پرداخت.

ملانصرالدین برای اولین بار در جهان اسلام، سیمای زن مسلمان را به تصویر کشید، که اعتراض‌های زیادی را در پی داشت (ملانصرالدین، ۱۳۲۴، ش ۲۸: ۳). پوشیده نبودن زن فرنگی و اختلاط زن و مرد مهم‌ترین موارد تفاوت فرهنگی شرق و غرب بود. در مجموعه کاریکاتورها و مقالات ملانصرالدین این تفاوت فرهنگی به خوبی نمایان است. زنان در ملانصرالدین به دو شکل ترسیم شده‌اند: زن مدرن و بدون پوشش متعارف اسلامی (در قالب پیراهن بلند و استفاده از کلاه جهت پوشش موهای سر) و زن سنتی در قالب چادر و روبنده و بعضاً با پیراهن و زیر جامه‌های کوتاه.

هدف بیرون آمدن زن از فضای خصوصی به فضای عمومی بود. از این رو در گفتمان ملانصرالدین پوشش زن مسلمان با زن فرنگی مقایسه شد (ملانصرالدین، ۱۳۲۶، ش ۴۰: ۴). در جوامع سنتی، دغدغه بسیاری از مردان این بود که زنان شان بدون پوشش در برابر چشم اغیار ظاهر نشود. از سوی دیگر؛ این نگرانی وجود داشت که زنان مسلمان در چشم غربیان چگونه دیده می‌شدند و درباره آنان چگونه داوری می‌شد. کاریکاتوهای ملانصرالدین نشان از تعجب غیرمسلمانان، از زنان مسلمانی است که صورت آنان نیز نمایان نبود (ملانصرالدین، ۱۳۲۶، ش ۴۱: ۵). ملانصرالدین درصدد چاره‌جویی بر این مسئله و برداشتن موهومات در این رابطه بود. بنابراین به بحث درباره‌ی اصول و مبانی آن پرداخت. در این راستا، طرز پوشش و رنگ سیاه چادر زنان مورد توجه قرار گرفت. در یکی از شماره‌ها چند زن در حالی که در چادر سیاهی به شکل کامل خود را پوشانده‌اند، پشت به مردان ترسیم شده‌اند. مرد عابر پیاده در تشخیص سیاهی درمانده است. در ادامه، به محض دور شدن مرد، زنان سر خود را بلند کرده و به عقب نگاه می‌کنند و صورت آنان دیده می‌شود و مرد غریبه تشخیص می‌دهد که آنان زن هستند (ملانصرالدین، ۱۳۲۴، ش ۳۸: ۵). از سوی دیگر پوشش عده‌ای از زنان مسلمان به ویژه در منطقه ایران و قفقاز ترکیبی از پیراهن و زیر جامه‌های کوتاهی بود که عملاً پاهای آنان را نمایان می‌کرد (ملانصرالدین،

۱۳۲۴، ش ۱۴: ۱؛ ۱۳۲۶، ش ۲۲: ۱). ملانصرالدین، این نوع پوشش را «بی حیایی» می دانست و ترجیح می داد، زنان مسلمان از پوششی با پیراهن های بلند به مانند زنان اروپایی استفاده کنند تا جامه های کوتاه. در کاریکاتوری، جهت مقایسه، زن اروپایی با پیراهنی بلند در کنار زنان ایرانی، با پیراهن کوتاه و زیرجامه ترسیم شده است (ملانصرالدین، ۱۳۲۴، ش ۳۶: ۵). ملانصرالدین در مقاله "مسئله زنان" این نوع پوشش را مجدداً به نقد کشید و آن را از نگاه غیرمسلمانان خنده دار دانست و صراحتاً نوشت، ما می خواهیم زن مسلمان زمانی که به بیرون از خانه می رود لباسی بپوشد که هیچ کجای بدنش بیرون نباشد تا مسافران خارجی بعد از سیاحت در ایران و توران در بازگشت به وطن خود نگویند این است مسلمانی (ملانصرالدین، ۱۳۲۵، ش ۱: ۳-۶).

۳. حجاب و اخلاق جنسیتی: رابطه حجاب و عفاف

ملانصرالدین زمانی به مسئله حجاب به شکل گسترده پرداخت که در ایران فعالان عرصه حقوق زنان از مسئله ی حجاب منفک شده و به طرح مسائل دیگر، روی آورده بودند (نجم آبادی، ۱۳۸۴: ۱۲۶) در این دوره کسانی که حجاب را عامل محرومیت زنان از حقوق اجتماعی می دانستند، چندان قابل توجه نبودند (خسروپناه، ۱۳۸۲: ۱۲۱). از سوی دیگر در جوامع سنتی فرض بر این بود، سلامت جامعه در گرو حجاب و پوشیدگی کامل زنان بود و با برداشت حجاب و مستوری زنان، نجابت و پاکدامنی آنان از بین رفته و به تبع آن فساد در جامعه رشد می نمود. ترس از این می رفت که روباز گشتن زنان منجر به بی حجابی شود. ملانصرالدین بر نادرستی این تفکر تاکید کرد و حجاب سنتی را ضامن حفظ عفت زنان و سلامت جامعه ندانست. از سوی دیگر، هر چند اصل حجاب مورد اتفاق جوامع سنتی بود؛ اما حدود این پوشش مورد اختلاف، و مسئله ای مناقشه برانگیز بین فقها بود. نگاه غالب، تمام بدن حتی دست، صورت و صدای زن را «عورت»، و استفاده از روبنده را الزامی می دانست. این در حالی بود که جریان نوگرا، اقتضای زمانه را در حضور زن مسلمان در جامعه می دانست. به این ترتیب، مقابله با استفاده از روبنده به ابزاری برای مبارزه با سنت گرایی تبدیل شد. اما چگونه می توانست این مسئله حل شود؟ ملانصرالدین با آگاهی از نقش زنان در ترقی جوامع اسلامی، سعی در چاره جویی برآمد. در این راستا، نظرات رایج درباره حجاب و حدود آن به عنوان ختم کلام و دربرگیرنده کل حقایق ندانست و با اتکا به منابع دینی، موضوع حجاب سنتی را به چالش کشید.

۴. تاکید بر ادله قرآنی در مسئله حجاب

در موضوع حجاب، ملانصرالدین موضوع استفاده از روبنده و وجه دینی آن را به بحث کشید و پیشنهاد کرد به اصل مسئله (قرآن) رجوع شود. در این راستا با بازخوانی دلایل مذهبی حجاب به بررسی نظرات و اندیشه‌های فقها درباره حدود آن پرداخت. ملانصرالدین ضمن مخالفت با شرعی خواندن استفاده از روبنده، با ذکر آیات حجاب در قرآن، روی باز بودن زنان را جایز دانست و به ریشه‌یابی این مسئله پرداخت که چرا مسلمانان مخالف حضور بدون روبنده زنان در جامعه هستند؟ ملانصرالدین، مشکل اصلی مسلمانان را دور شدن از قرآن دانست و اعلام داشت، تنها مرجع برای فهم مسئله حجاب و حدود آن رجوع به آیات قرآنی است و نه تفسیرها و برداشت‌های شخصی (ملانصرالدین، ۱۳۲۵، ش ۲۰: ۳-۲). ملانصرالدین مبنای استدلال خود را بر آیات و شواهدی قرار می‌دهد که علمای چون شیخ طوسی، شیخ بحرانی و شیخ کلینی نیز بر آنان تاکید کردند. بر این اساس، روی باز بودن زنان خلاف شرع نیست؛ چراکه در قرآن آیه‌ای روشن مبنی بر حرام بودن آن وجود نداشت؛ بلکه سستی بود که به مسلمانان رسیده و آنان به این سنت خو گرفته بودند. ملانصرالدین با استناد به آیات و روایات بر دو نوع زینت طبیعی و ظاهری قائل است و با تأیید پوشیدن زینت‌های طبیعی، به آشکار شدن زینت ظاهری تاکید دارد (ملانصرالدین، ۱۳۲۵، ش ۲۳: ۳-۲). بر این اساس، زنان برای گذراندن زندگی دنیوی خود، جایز به باز کردن صورت و دست‌های خود بودند (همان: ۷). به زعم ملانصرالدین، مسلمانان روح آیات را گم کرده و بدین لحاظ، پوشاندن صورت و دست‌ها را مساوی با پوشاندن "عورت" دانسته‌اند. بنابراین، ریشه مسائلی از این دست را نه در دین، بلکه باید در فرهنگ و سنت‌ها جستجو کرد که به اسم شریعت زنان را مجبور به استفاده از روبنده می‌کردند (ملانصرالدین، ۱۳۲۵، ش ۲۰: ۳). این برداشت به نوعی تداعی‌کننده سخن مرنیسی است که می‌گوید: به یقین در جوامع شرقی این صاحبان منافع هستند که به علت سودجویی‌های نامشروع خود، در راه احقاق حقوق زن مانع تراشی می‌کنند (مرنیسی، ۱۳۸۰: ۵۱).

ملانصرالدین در بررسی حجاب و حدود آن، تنها بر آیات قرآنی استناد دارد و از رجوع به روایات و احادیث نبوی خودداری می‌کند، به طوری که با ذکر آیات حجاب و تفسیر آنان، عقیده لزوم استفاده از روبنده و اسلامی بودن آن را با ادله رد نمود و آن را سستی غیراسلامی و مخالف ترقی زنان دانست و سعی نمود تعریف جدیدی از حجاب ارائه دهد.

که بر اساس آن دیگر در تعریف سنتی (استفاده از چادر و روبنده) معنی پیدا نمی کرد، بلکه در رویکرد مدرن به حجاب، تاکید نه بر ظواهر اسلامی و حجاب بیرونی بلکه بر عفت و حجاب درونی بود و این امر لزوماً منافاتی با شریعت نداشت. البته قابل ذکر است که کشف حجاب مورد نظر ملانصرالدین به معنای حذف پوشش موی زنان نبود، بلکه بیشتر به معنی برداشتن روبنده و جایگزینی برای چادر بود. از منظر ملانصرالدین هدف حجاب در اسلام نه به معنی حبس زنان در منازل بلکه، پوشش زنان و پرهیز از خودنمایی در معاشرت با مردان است. در این راستا ملانصرالدین سعی نمود حدود این پوشش را با استناد به قرآن بیان و روشن کند. از سوی دیگر، ملانصرالدین به خوبی به این مسئله واقف بود که جامعه آماده تجدید نظر در باره پوشش زنان نبود، بنابراین راه مبارزه را در آموزش و تربیت دختران می دانست؛ چرا که در آن صورت قدر خود را دانسته و می دانند چه رفتاری کنند (ملانصرالدین، ۱۳۲۵، ش ۲۰: ۳).

علاوه بر خوانش های متفاوت دینی، ملانصرالدین غلبه فرهنگ مردسالار در جوامع سنتی را علت دیگر استفاده از روبنده می داند. جامعه ای که در آن اگر زنی بدون روبنده بیرون می رفت، مردان او را مورد آزار و اذیت قرار می دادند و آن را نتیجه بی غیرتی مردانشان می دانستند (ملانصرالدین، ۱۳۲۵، ش ۲۰: ۳-۲). از سوی دیگر بر طبق دیدگاه مردسالارانه، روباز گشتن زنان منتج به روابط پنهانی و خارج از چهارچوب خانواده با مردان دیگر می شد. «مردان با غیرت» معتقد بودند «زن اگر روباز می گشت با مردان دیگر آشنا می شد». ملانصرالدین، به مقابله با آن دیدگاه می پردازد و از زنان ارمنی یاد می کند که روباز می گشتند بی آنکه اعمال خلاف منافی عفت عمومی انجام دهند. در این راستا خطاب به افکار عمومی این سوال را مطرح می کند، چرا باید به زنان این گونه بی اعتماد بود و آیا بی حجابی دلیلی بر بی اخلاقی و بی عفتی است؟ ملانصرالدین، با تاکید بر مباحث تربیتی در این خصوص اعلام کرد، چه بسا زنانی که در بین چهار دیواری ها پرورش یافته اند اما چندان پایبند اصول اخلاقی نیستند. ملانصرالدین در ادامه این سوال را پیش می کشد: "که آیا ما مجاز هستیم که این گونه فکر کنیم؟ زنان ما چه گناهی دارند که ما در مورد آنان بدگمان هستیم؟" (ملانصرالدین، ۱۳۲۵، ش ۲۰: ۳). ملانصرالدین صراحتاً اعلام داشت که همانطوری که نتوانسته ایم با عبارت "شراب حرام است مردان را از سرمستی نگه داریم با حجاب هم نمی توانیم زنان را از بی اخلاقی نگه داریم" (ملانصرالدین، ۱۳۲۷، ش ۱۷: ۸).

در حالی که ملانصرالدین رابطه معنا داری میان حجاب و عفاف نمی‌دید، این مسئله موجب جریحه دار شدن وجدان جمعی سنت‌گرایان شد. به زعم آنان، ملانصرالدین با غیر شرعی خواندن روبنده در صدد دور کردن زنان از مذهب بود. در نامه یکی از زنان به ملانصرالدین آمده است: " قصد داری ما زنان مسلمان مثل زن های ارمنی رو باز بگردیم. ما را با زن های ارمنی مقایسه کردی و می خواهی به مانند آنها شویم " (ملانصرالدین، ۱۳۲۴، ش ۲۱: ۶-۷). از سوی دیگر جناح سستی، برای وصف خطر حضور زنان در سطح جامعه روایاتی را توصیف می کرد که در آن زنانی روسی در حالت مستی به خیابان ها می آمدند (ملانصرالدین، ۱۳۲۶، ش ۱۵: ۳). در حقیقت داستان پردازی های این گونه فراساخته نگرشی بود که به گشاده رو بودن زنان در خارج از خانه عادت نداشت و برای آنان زنجیره خیالی و رویایی مستی را تداعی می کرد (توکلی طرقي، ۱۳۷۰: ۹۱). از جانب طیف سستی، با توجه به ذهنیت رایج دال بر تلازم میان عفت و پرده پوشی، بسیاری از زنان بدون حجاب، به ویژه زنان غربی در معرض اتهام بی عفتی بودند. این درحالی بود که گیتی مداران "کشف حجاب" همچون زنان فرنگ را زمینه کمال، ترقی و آزادی می پنداشتند (توکلی طرقي، ۱۳۸۲: ۱۳۵). از نگاه ملانصرالدین ذهن شرقی، نگاه نادرست و دور از حقیقت در باره زنان غربی داشت. بدین لحاظ در مقاله های " فیلسوفان " و " خانم ها " آن را به چالش کشید و ضمن برشمردن قهرمانان زن اروپایی، هر گونه اظهار نظر درباره زنان، را وظیفه اندیشمندان جامعه دانست (ملانصرالدین، ۱۳۲۶، ش ۱۵: ۳-۲). ملانصرالدین از زنان غربی آشنا با علوم و معارف جدید سخن گفت و با نکوهش کردن هر گونه بی حرمتی نسبت به زنان غربی آن را ناشی از عدم شناخت صحیح جوامع اسلامی از غرب دانست. از نظر ملانصرالدین، آنانی که زنان اروپایی را متهم به بی عفتی می کنند، از تاریخ و مدنیت اروپا بی خبراند (ملانصرالدین، ۱۳۲۷، ش ۱۳: ۵-۴). بر این اساس نباید نوع پوشش محکی برای تعیین عفت زنان می بود. البته پیش از این طیفی از سیاحان ایرانی در نگرش به زن فرنگ و بازنگری به زن خودی، الگوی اولیه ی زن نجیب مدرنی را فرا ساختند که معیار نجابتش نه پوشش پیکر، بلکه تربیت و معرفت نفسانی او بود. در این مقایسه تربیت و حجاب نقشی یکسان داشتند (توکلی طرقي، ۱۳۸۲: ۱۷۵-۱۷۴).

۵. محرومیت اجتماعی زنان: دعوت به ورود زنان به عرصه عمومی

ملانصرالدین به عنوان فعال و مدافع حقوق زنان، مسئله ضرورت حضور اجتماعی زنان را مورد تاکید قرار داد. چرا که ضامن خوشبختی و یا بدبختی یک ملت زنان یک جامعه هستند (ملانصرالدین، ۱۳۲۷، ش ۶: ۶). بنابراین باید در اجتماع حضور می یافتند ولی این امر چگونه با پوشش سنتی (روبنده زدن زنان) امکان پذیر بود؟ واقعیت این بود که در فرهنگ سنتی با زنانه و مردانه کردن مکان، یعنی گونه مندی آن، زنان اغلب خانه نشین و پرده نشین بوده و حضورشان در مکان مردانه ناپسند بود (توکلی طرقي، ۱۳۸۲: ۱۸۰). زنان در معدود حضور های خود در بیرون از منزل باید جداگانه از مردان قرار می گرفتند و حتی سوار شدن زن و مرد در یک درشکه یک نوع اباحه گری تلقی می شد (ملانصرالدین، ۱۳۲۷، ش ۶: ۸؛ ۱۳۲۷، ش ۵۱: ۸؛ ۱۳۲۴، ش ۲۴: ۴). وضعیت برای بسیاری از زنان مشکل بود؛ زنان اگر می خواستند پیشرفت کنند باید مقابل فرهنگ سنتی ایستادگی می کردند و آزادی های لازمه را به دست می آوردند. اما دیدگاه سنتی بر این عقیده بود که اگر به زنان آزادی داده شود: روبنده و چادر کهنه می شوند و دین و ایمان از دست می رفت (ملانصرالدین، ۱۳۲۷، ش ۵۱: ۷).

ملانصرالدین به خوبی واقف بود که برای دست یابی زنان جوامع اسلامی به آزادی و حقوق مدنی چون آموزش، حقوق مساوی با مردان، ورود به دانشگاهها "یونیورسیتته"، کسب حق رأی و دیگر آزادی ها نیازمند تحرک و حضور اجتماعی آنان است. در این جهت در مقاله ای صراحتاً از زنان دعوت به عمل آورد که در صحنه اجتماعی حاضر باشند هم به خاطر خود و هم به خاطر نسل آینده (ملانصرالدین، ۱۳۲۵، ش ۳۱: ۶). این مسئله از اساس با فرهنگ محصور کردن زنان و محدود کردن آنان در تضاد بود. هرچند مهار کردن زن در فضایی فروبسته و حاشیه ای و مجاز ندانستن حضور و مشارکت فعال وی در عرصه فعالیت های اجتماعی پدیده ای جهانی بود (میلانی، ۱۳۷۹: ۲۱۴)؛ ولی آنچه که این مسئله را در شرق به موضوعی حساسیت برانگیز تبدیل کرد، پیوند آن با سنت ها و مباحث مذهبی بود.

به زعم ملانصرالدین، غلبه فرهنگ غیرتمداری، یکی از عوامل اصلی عدم حضور اجتماعی زنان بود. بر این اساس، مردان با استفاده از غیرت دینی برانگیخته می شدند تا در مقابل هرگونه بی حجابی مقابله کنند. اما در گفتمان جدیدی که ملانصرالدین به آن تاکید داشت، مقوله «غیرت مردانه» مورد آسیب شناسی و نقد گرفت. بر این اساس مردان

نقش مهمی در حبس زنان در خانه ها داشتند. در جوامع نمونه ملانصرالدین نقش زنان محدود به کارهای منزل و اطاعت از همسر بود. زن نباید اعتراض می کرد و سکوت زبینه زن بود (ملانصرالدین، ۱۳۲۶، ش ۳۰: ۶). مسلمان واقعی کسی بود که زن او را هیچ کس نبیند و صدای او را نشنود. حضور زنان در اجتماع به معنی از بین رفتن خیر برکت از روی زمین بود. مادران افتخار می کردند، دختران آنها را بیرون از خانه تا به حال کسی ندیده است. دختران و زنانی که بیرون از خانه دیده می شدند مورد خشونت و مجازات های خانواده های خود قرار می گرفتند (ملانصرالدین، ۱۳۲۸، ش ۳۲: ۱؛ ۱۳۲۶، ش ۳۷: ۵). حتی بیرون رفتن مرد با زنش گناه تلقی می شد و تمام تلاش عامه مردم در این بود که مرتکب چنین گناهی نشوند. تعریف زن در این جامعه حبس زن در خانه بود؛ چرا که در این دیدگاه به زن اعتباری نبود. و اگر مردی بر خلاف آن عمل می کرد و اجازه حضور در اجتماع به زنان خود را می داد متهم به بی غیرتی می شد. چرا که در تضاد با ارزش های جامعه بود (ملانصرالدین، ۱۳۲۴، ش ۲۷: ۶-۵). نقش آفرینی غیرت در ممانعت از حضور اجتماعی زنان به حدی بود که همراهی مردان با زنان در اجتماع، اماکن عمومی و سفرها و مهمانی ها غیر قابل پذیرش بود (ملانصرالدین، ۱۳۲۸، ش ۵: ۴). خیلی از مردان افتخارشان بر این بود که با زنان خود نه تنها به مسافرت، بلکه تا سر کوجه نرفته بودند. (ملانصرالدین، ۱۳۲۴، ش ۲۶: ۷). منع حضور اجتماعی زنان، توسط روحانیت سنتی تقویت می شد. بر این اساس مردانی که با زنان خود به زیارت اقوام و آشنایان و یا مسافرت می رفتند، «بی ناموس» لقب می گرفتند. از این رو، زبینه زن آن بود که «در خانه حبس شده» و «درب خانه نیز بر روی آن ها قفل شود». «دینداری»، «باناموسی» و «غیرت مردانه» برابر با پنهان کردن زن و عدم رویت آن توسط مردان دیگر بود (ملانصرالدین، ۱۳۲۴، ش ۲۷: ۳). بدین لحاظ آنان مانع حضور اجتماعی زنان، در اماکن عمومی به مانند باغ ها و تفرجگاه ها می شدند. در حالی که زنان غیر مسلمان به راحتی در این گونه اماکن حضور می یافتند. مردان مسلمان اجازه حضور به زنان خود در این اماکن را نمی دادند، حتی اگر زنان پوشش و حجاب کامل در مفهوم سنتی زمانه خود (استفاده از روبنده) را نیز رعایت می کردند. آنان ترس از این داشتند که متهم به بی غیرتی شوند؛ چرا که مسئولیت حفظ و نگهداری زنان برعهده مردان بود و حضور زن در اجتماع تنها یک دلیل می توانست داشته باشد؛ بی غیرتی مردان. زنان نیز، برای اینکه مردانشان از تهمت بی غیرتی در امان باشند در خانه ماندن را بر حضور اجتماعی ترجیح می دادند (ملانصرالدین،

۱۳۲۸، ش ۲۳: ۲-۳). نقش آفرینی غیرت به عنوان مفهومی رایج در فرهنگ عمومی محدود به ممانعت از حضور زن در اجتماع نمی شد. بلکه در مواردی سبب حذف فیزیکی زن و قتل او می شد. به همین دلیل است که در ملانصرالدین از غیرت به «زن کشی» تعبیر شده است. (دشتکی، ۱۳۹۵: ۱۵۸) از سوی دیگر، به زعم ملانصرالدین، فقدان امنیت اجتماعی، پرده پوشی زنان را تشدید می کرد. از این منظر، ایجاد مزاحمت ها و چشم چرانی مردان اجازه حضور در اجتماع به زنان مسلمان را نمی داد. این مسئله به قدری برای زنان آزار دهنده بود که به محض مشاهده مردان در کوچه و خیابان مجبور به پنهان شدن بودند. این امر به هنگام مسافرت با قطار بیشتر نمود داشت. به طوری که رفت و آمد مردان «اجازه نفس کشیدن» از زنان را سلب می کرد (ملانصرالدین، ۱۳۲۵، ش ۲۱: ۷). بر این اساس حجاب، لزوماً نقش چندانی در امنیت اجتماعی زنان نداشت.

حضور اجتماعی زنان در جوامع اسلامی، نیازمند پذیرش عمومی بود. نگرانی از این بود که با رفع حجاب سستی و حضور زنان در اجتماع عفت عمومی مورد مخاطره قرار گیرد. در عرف اجتماعی آمیزش زن بی حجاب در «بیرون» با مردی نامحرم نشانه «بدکاره» بودن زن، رواج بی بنده باری، و علت فروپاشی نظام اخلاقی حاکم پنداشته می شد (تربابی، ۱۳۸۸: ۱۴۰). این نگرانی مختص این دوره نبود. به طوری که بعدها در ایران زمانی که رضا شاه در صدد صدور فرمان کشف حجاب برآمد این دلنگرانی وجود داشت به همین جهت دستور داده شد که روسپیان و معروفه ها نباید کشف حجاب کنند تا بی حجابی برابر با بی عفتی و روسپیگری تلقی نشود (صادقی، ۱۳۹۲: ۳۲). بنابراین لازم می نمود که برای حضور اجتماعی زنان چاره اندیشی می شد. در این راستا **ملانصرالدین** با ارائه تصویری از زنان اروپایی، در صدد آگاه سازی زنان شرقی جهت دست یابی به حقوق و منابع جدید برای آنان بود. در این راستا، ملانصرالدین در قالب کاریکاتوری زنان مدرن اروپایی را در صحنه های مختلف اجتماع، دوشادوش مردان نشان می دهد. در حالی که زنان مسلمان به دلیل ناآگاهی و نداشتن مهارت های اجتماعی به دوره از عرصه های اجتماعی قرار گرفته اند (ملانصرالدین، ۱۳۲۴، ش ۳۹: ۴-۵). این امر ناشی از تربیت زنان و جایگاه خانوادگی آنان بود. در حالی که زن اروپایی، از دوران کودکی در حال تعلیم و تربیت و کسب دانش های لازمه بود، زن شرقی در سنین کودکی مجبور به ازدواج اجباری و پرده نشینی می شدند. ملانصرالدین این سوال را مطرح می کند که زنان چه گناهی مرتکب شده اند که درباره آنها گمان بد می شود و آنها را در خانه حبس نموده و

برای خودمان کنیز و آشپز و اسباب بازی کرده ایم؟ **ملانصرالدین**، به صراحت از زنان دعوت می کند که به صحنه بیایند: « اگر دختران به میدان نیایند و در صحنه نباشند تا مین آینده فرزندان وطن مشکل خواهد بود ». با این حال **ملانصرالدین** به خوبی از مقاومت طیف سستی از حضور زنان آگاه بود. به طوری که به طنز نوشت، اگر در تبریز زنان به صحنه بیایند جواب هفتاد و دو ملت را چه باید داد؟ از منظر **ملانصرالدین** همانطوری که خورشید نورش را می بخشد زنان و مادران نیز نور کمال خود را باید به فرزندانسان بخشند (همان، ۱۳۲۵، ش ۳۱: ۶). از این سخنان به خوبی پیداست که **ملانصرالدین** به مانند دیگر فعالان حقوق زنان در این دوره شرط هر گونه تغییر و تحول در جامعه و نسل های آتی را در آموزش، آگاهی و مشارکت اجتماعی آنان می دانست. ولی این امر نیازمند تحول فکری و فرهنگی جامعه بود که **ملانصرالدین** بر آن تاکید داشت.

۱.۵ تحصیل علم و آموزش گام نخست حضور اجتماعی زنان

آموزش، مقدمه حضور در اجتماع و زندگی سعادت‌مندانانه زنان تلقی می شد. از سوی دیگر فهم این نکته مهم است که فشارهای شدید اجتماعی و مذهبی دست یابی به فرصت های آموزشی را برای دختران محدود کرده بود (سانساریان، ۱۳۸۴: ۳۱). بدین لحاظ یکی از دغدغه های اصلی **ملانصرالدین** مسئله آموزش زنان بود. جامعه سستی به شدت با علم به ویژه سواد آموزی زنان مخالفت می کرد و آن را عامل اشاعه فساد و تباهی در جامعه و از بین رفتن حرمت ها می دانست. از نظر آنان مسلمانان به ویژه زنان نیازی به علم و سواد آموزی نداشتند و تحصیل علم توسط زنان نوعی "بی حیایی" بود. بنابراین سخت در مقابل این پدیده نوظهور مقاومت و از آن استغفار می نمودند (**ملانصرالدین**، ۱۳۲۷، ش ۴: ۴؛ ۱۳۲۴، ش ۲۳: ۳). این در حالی بود که زنان مظهر جهل و بی سوادی و به تبع آن خرافه بودند (**ملانصرالدین**، ۱۳۲۴، ش ۲۷: ۶).

آموزش زنان، در بین زنان نیز مخالفان زیادی داشت. به طوری که یکی از زنان در نامه ای به **ملانصرالدین**، مدرسه رفتن زنان را خلاف عقل دانست و با اظهار تعجب این سوال را مطرح کرد که دختران مسلمان مثل دختران ارمنی و روسی به مدرسه بروند؟ و در ادامه با طرح مسئله غیرت می نویسد که به خاطر این افکار جدید است که «زمین و زمان بهم خورده است». از نظر او وقوع بلایایی طبیعی و منازعات نظامی منطقه بی ارتباط با مدرسه رفتن دختران و خرق عادت نبود (**ملانصرالدین**، ۱۳۲۴، ش ۲۹: ۶). در چنین

شرایطی، ملانصرالدین، بر آموزش زنان و لزوم افتتاح مدارس دخترانه تاکید و آن را "عملی واجب" دانست؛ چرا که تربیت فرزندان و نسل آینده در "دست مادران" بود (همان، ۱۳۲۷، ش ۶: ۲۸). از نظر روشنفکران این دوره زنان تحصیل کرده همسرانی متعهدتری خواهند بود و فرزندان و شهروندان بهتری برای ملت تربیت خواهند کرد (آفاری، ۱۳۷۹: ۲۶۱). بنابراین، برای تحقق این امر باید زنان ابتدا توانمند می شدند. اما این امر در جوامع سنتی چگونه امکان پذیر بود؟ آموزش زنان پاسخ ملانصرالدین به این مسئله بود. بر طبق این دیدگاه آموزش زنان ضرورت داشت؛ زیرا تعمیم سواد و ایجاد مهارت های لازم برای مشارکت اجتماعی و حضور در جامعه و کسب در آمد به استقلال زنان می انجامید و او را از وابستگی به مرد می رهانید. دیدگاهی که ملانصرالدین در باره ضرورت تحصیل زنان مطرح می کند صرفاً بر نقش زن به عنوان مادر مبتنی نبود، بلکه از اهمیت آموزش زنان و توانمند سازی او برای اداره بهتر خانه و فرزندان فراتر رفته و با تاکید بر خودآگاهی و استقلال زنان و پایان بخشیدن به نگاه سنتی به آنان (به عنوان مادر - همسر) به فراهم سازی زمینه برای کار و درآمد و فعالیت های اجتماعی و فرهنگی می رسید در حقیقت ملانصرالدین علی رغم فضای سنتی حاکم بر جوامع اسلامی با اهمیت دادن به آموزش زنان، توجه خوانندگان خود را به ضرورت گسترش تحصیلات زنان در راستای آگاهی نسبت به حقوق خود و امکان حضور در فعالیت های اجتماعی حتی در کنار مردان را جلب می کرد (ملانصرالدین، ۱۳۲۷، ش ۱۸: ۱؛ ۱۳۲۷، ش ۱۳: ۶). **ملانصرالدین در زمانه ای که تحصیل دختران "خلاف شرع اسلام" محسوب می شد، بر لزوم تحصیل زنان و تأسیس مدارس دخترانه تاکید کرد؛** چرا که مدارس دخترانه تنها مکان سواد آموزی در طایفه نسوان و کسب معارف و پیوستن به کارزار تمدن از راه تحصیل علم نبود، بلکه پایگاهی بود برای آموزش و تمرین شهروندی (نجم آبادی، ۱۳۸۴: ۲۰). ملانصرالدین بر تحصیل علوم جدید بر اساس قواعد اروپایی تاکید می کرد و معتقد بود که تعلیم و آموزش باید اجباری باشد (ملانصرالدین، ۱۳۲۸، ش ۲۸: ۳-۲) و در عین حال با آگاهی از دغدغه های جامعه سنتی و واهمه آنان بر اسلامی بودن این گونه مدارس تاکید نمود. قرار بود در این مدارس "علم به همراه انسانیت و اسلامیت" باشد (ملانصرالدین، ۱۳۲۴، ش ۱۴: ۱). با این حال استفاده از روبنده را مانعی برای حضور دختران در مدارس دانست. چراکه استفاده از روبنده برای حجاب رفته رفته منجر به حذف زن مسلمان از اجتماع و حتی از مراکز علم و تربیت شده بود (اروجی، ۱۳۹۴: ۱).

۲.۵. اشتغال زنان و لزوم تغییر پوشش سنتی

از نگاه تجدد خواهانی چون ملانصرالدین، ورود زنان به عرصه های اجتماعی یکی از پایه های برابری زن و مرد محسوب می شد. تجربه های زنان اروپایی و ورود آنان به عرصه های اجتماعی و اقتصادی در این کشورها تأثیر زیادی بر این گونه دگراندیشان داشت. در حالی که فرهنگ سنتی، مواضع سخت گیرانه ای در باره زنان داشت و حضور آنان را در عرصه های عمومی بدون پوشش کامل (استفاده از روبنده) مورد حمله قرار می داد؛ ملانصرالدین لازمه حضوری اجتماعی زنان را در ارتباط مستقیم با تعدیل در حجاب سنتی (چادر و روبنده) می دانست. در این راستا با رد هرگونه پیوند میان حجاب و عفاف، به حمایت از ورود زنان به عرصه عمومی پرداخت. ناگفته نماند که از منظر تجدد خواهان در این دوره، شرط تغییر و پیشرفت جوامع اسلامی حضور زنان در عرصه عمومی و خروج از مستوری بود.

طرح بحث فعالیت اقتصادی زنان، زمینه ساز چگونگی امکان اشتغال زنان مسلمان، با استفاده از روبنده شد. ملانصرالدین استفاده از حجاب سنتی (روبنده و چادر) را مانع حضور اجتماعی زنان به ویژه برای زنان تحصیل کرده و جویای کار می دانست. به طوری که در یکی از شماره ها موضوع زن روزنامه نگار مسیحی علاقمند به اسلام و نگرانی او جهت ادامه فعالیت های اجتماعی اش در صورت استفاده از روبنده، را مطرح کرد (ملانصرالدین، ۱۳۲۸، ش ۳۱: ۳-۲). از منظر ملانصرالدین نباید حجاب و استفاده از روبنده مانعی برای گرایش زنان به دین اسلام می شد. بر این اساس، قبول اسلام و استفاده از حجاب هیچ منافاتی با همدیگر نداشت. با این حال استفاده از روبنده را امری کاملاً شخصی و در ارتباط با سلیقه، تربیت و علائق زنان می دانست. از این منظر این ترجیح شخصی افراد است که مشخص کننده نهایی در استفاده از روبنده و عدم استفاده از آن است و نه جبر اجتماعی و فرهنگی و حتی سنت ها. در حقیقت ملانصرالدین تأکید داشت حجاب نباید عاملی تحمیلی و در جهت محدود کردن آزادی و فعالیت های اجتماعی و جلوگیری از رشد استعداد های زنان باشد؛ بلکه باید حجاب براساس انتخاب زن و به شکل آگاهانه صورت گیرد (همان: ۳-۴). واقعیت این بود که جامعه نمونه ملانصرالدین از درک مقوله فردیت و حق انتخاب زنان در استفاده از حجاب ناتوان بود و تنها راه برقراری نظم و امنیت در جامعه را، ایجاد موانع برای حضور زنان در اجتماع و مهم تر از آن پنهان سازی زنان می دانستند. از دیدگاه ملانصرالدین حجاب نمی بایست مانع و

عامل بازدارنده برای تحصیل و کسب و کار زنان باشد. در اصل تاکید بر تغییر جوامع اسلامی بود، تا مورد سرزنش و تعجب غیر مسلمانان نشود. در این راستا باید ذهن زنان و مردان جامعه تغییر می کرد. هر چند ملانصرالدین نیم نگاهی بر لزوم تغییر و تجدید نظر در پوشش زنان با توجه به الزامات عصر داشت؛ اما اصل مسئله حجاب را زیر سوال نبرد ولی بر مدرن شدن آن تاکید داشت. البته این را نباید از نظر دور داشت که عمده مخاطبان **ملانصرالدین، عامه مردم بودند** که بیشتر در چارچوب و قالب فرهنگ سنتی جای داشتند. بدین لحاظ برخلاف دیگر آرای ملانصرالدین در باب لزوم تحصیل و نقد چند همسری و طلاق و حق آزادی زنان، که با معیارهای جدید و مدرن همخوانی دارد، در بحث حجاب، ملانصرالدین سازگاری بیشتری با عرف زمانه نشان داد. **البته این به معنی نادیده گرفتن، نگاه منتقدانه** ملانصرالدین در باره پوشش و **حدود حجاب زنان** در جوامع اسلامی و عدم هم خوانی آن با رویکرد **مدرن به مقوله زنان** نمی باشد. ملانصرالدین نه تنها به صورت آشکار از کشف حجاب در مفهوم جانبداری نکرد، بلکه کشف حجابی که به دفاع از آن پرداخت عبارت بود از برداشتن روبنده و تعدیل حجاب و تغییر آن از چادر و پوشش سیاه به لباس بلند و مدرن اروپایی. از سوی دیگر این مسئله چندان دور از ذهن نمی باشد که ملانصرالدین تمایل به برداشت چادر و بی حجابی داشته است. ولی به دلیل فضای اجتماعی و ساختارهای سنتی جوامع اسلامی برخلاف دیگر مباحث مطرح شده در باره زنان با احتیاط وارد شد. البته این به معنی پذیرش بی چون چرای حجاب به عنوان سنت اسلامی نبود؛ آنچه حائز اهمیت است استدلال ملانصرالدین در این زمینه است که بر طبق آن حجاب را امری فردی دانسته که باید از روی عقیده فرد صورت بگیرد. و شناخت و انتخاب باید اصل اساسی در گزینش حجاب باشد.

۶. نتیجه گیری

نشریه ملانصرالدین را می توان یکی از بزرگترین مدافعان حقوق زنان دانست، که تحت تاثیر مدرنیته ضرورت بازبینی در نگاه سنتی به زنان و ارائه هویت جدید برای آنان در جوامع اسلامی را امری ضروری می دانست و از این رو به مقایسه موقعیت زن در جوامع اسلامی با زنان غربی پرداخت. در این راستا بحث حجاب سنتی (چادر و روبنده) به عنوان یکی از مهم ترین نمادهای جوامع اسلامی را به چالش کشید. ملانصرالدین با تاکید بر لزوم تعدیل در حجاب سنتی، حضور اجتماعی زنان را مطرح و به آسیب شناسی موانع حضور

اجتماعی زنان پرداخت. در این راستا قرائت‌ها و خوانش‌های جهت‌دار از دین، در کنار فرهنگ سنتی مردسالارانه غیرت‌مدار و فقدان امنیت اجتماعی را از جمله موانع اصلی حضور زنان در جامعه دانست. ملانصرالدین بر لزوم حضور زنان در اجتماع و خروج آنان از دایره سنتی تاکید و از تجدید نظر در نحوه پوشش و حجاب زنان با توجه به الزامات عصر سخن گفت. ملانصرالدین حجاب سنتی رایج زمانه را نماد انقیاد زنان می‌دانست و معتقد بود که حجاب سنتی تحرک اجتماعی و انتخاب شخصی را کاهش می‌دهد. ملانصرالدین به علت قوت دین در جوامع سنتی و در هم تنیدگی حجاب با دین و غیرت و حمایت سرسختانه سنت از حجاب، امکان طرح صریح کشف حجاب و مدرن شدن زنان مسلمان و الگو برداری آنان از زنان اروپایی را نیافت، ولی به جنبه اصلی و مهم در لزوم کشف حجاب زنان مسلمان یعنی عدم استفاده از روبنده تاکید کرد و زمینه را برای تغییرات بعدی و طرح نظرات جدید هموار نمود. از سوی دیگر ملانصرالدین با رد صریح هرگونه ارتباط و التزام بین حجاب و عفت آن را برداشتی سنتی و نادرست دانست و قائل بر این است که حجاب و لزوم استفاده از روبنده امری کاملاً فردی و باید به اختیار و انتخاب زنان صورت گیرد و از جنبه تحمیلی و اجباری بودن به بهانه‌های دینی و فرهنگ سنتی خارج شود. قابل ذکر است با وجود تابوی فرهنگی که نسبت به زنان وجود داشت چاپ این گونه مطالب در آن زمان، نوعی عمل انقلابی محسوب می‌شود.

کتاب‌نامه

- آفاری، زانت (۱۳۷۹). *انقلاب مشروطه ایران*، ترجمه حیدر رضائی، تهران: بیستون.
- اروجی، فاطمه (۱۳۹۴). « زن در اندیشه میرزا فتحعلی آخوندزاده »، *ایران‌نامه*، ش ۱ دوره جدید .
- ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۸۸). « تکاپوی زنان عصر قاجار: فردیت جهان سنت و گذر از آن »، *فصلنامه علمی- پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء*، ش ۲.
- توکلی طرقي، محمد (۱۳۸۲). *تجدد بومی و بازتدیشی تاریخ*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- توکلی طرقي، محمد (۱۳۷۰). « زنی بود، زنی نبود: بازخوانی «جوب نقاب» و «مفاسد سفور» ، نیمه دیگر، ش ۱۴.
- خسروپناه، محمد حسین (۱۳۸۲). *هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی*، تهران: نشر پیام امروز، چ ۲.
- دشتکی، فرهاد (۱۳۹۵). « ملانصرالدین و مسئله زنان (تحلیل رویکرد ملانصرالدین به مسئله زنان) »، *دو فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام*، سال ششم، شماره دوازدهم.

عباس قدیمی قیداری و زهرا کاظمی ۱۹۳

ساناساریان، الیزا (۱۳۸۴). جنش حقوق زنان در ایران، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران: اختران.
صادقی، فاطمه (۱۳۹۲). کشف حجاب بازخوانی یک مداخله مدرن، تهران: نشر نگاه
معاصر، ۱۳۹۲. چ ۱.

عاملی رضایی، مریم (۱۳۸۹). سفر دانه به گل سیر تحول جایگاه زن در نثر دوره قاجار، تهران: نشر
تاریخ ایران.

مرنیسی، فاطمه (۱۳۸۰). زنان پرده نشین و نخبگان جوشن پوش، ترجمه ملیحه مغازه ای، تهران، بی نا.
میلانی، فرزانه (۱۳۷۹). « تبعید بلبل مادینه از سرزمین گل و بلبل»، ایران نامه، ش ۷۱.
نجم آبادی، افسانه (۱۳۷۴). « دگرگونی "زن" و "مرد" در زبان مشروطه»، نیمه دیگر، ش ۲.
نجم آبادی، افسانه (۱۳۸۴). « افتدار و نمایندگی: بازبینی فعالیت های زنان در دوره رضا شاه»،
گفتگو، ش ۴۴.

نجم آبادی، افسانه (۱۳۸۴). « نقش زن بر متن مشروطه»، تلخیص نوشین طریقی، زنان، ش ۱۳۴.
نشریه ملانصرالدین (۱۳۲۴). شماره ۱۴، شماره ۱۷، شماره ۱۹، شماره ۲۱، شماره ۲۲، شماره ۲۳،
شماره ۲۴، شماره ۲۷، شماره ۲۸، شماره ۲۹، شماره ۳۶، شماره ۳۸، شماره ۳۹، شماره ۴۷.
نشریه ملانصرالدین (۱۳۲۵). شماره ۱. شماره ۲۰، شماره ۲۱، شماره ۲۳، شماره ۲۷، شماره ۳۱، شماره
۴۲، شماره ۱۵، شماره ۲۲.

نشریه ملانصرالدین (۱۳۲۶). شماره ۳۰، شماره ۳۷، شماره ۴۰، شماره ۴۱.
نشریه ملانصرالدین (۱۳۲۷). شماره ۴، شماره ۶، شماره ۱۳، شماره ۱۷، شماره ۱۸، شماره ۲۸، شماره
۴۰، شماره ۴۲، شماره ۵۱.

نشریه ملانصرالدین (۱۳۲۸). شماره ۲۳، شماره ۲۸، شماره ۳۱، شماره ۳۲.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی